

مدیر کل

جلال‌الدین الحسینی مؤیدالاسلام
صاحب امتیاز روزنامه هفتگی
و یومیه (جبل‌المتین)

عنوان مراسلات ()
طهران خیابان لاله زار
نایب‌مدیر میرزا سید حسن کاشانی

غیر از روزهای جمعه همه روزه
طبع و توزیع میشود

یومیه

جبل‌المتین

۱۳۱۱

طهران

قیمت اشتراك سالانه

طهران ۴۰ قران
سایر بلاد داخله ۴۵ قران
روسیه و قفقاز ۱۲ منات
سایر ممالک خارجه ۳۰ فرانک

(قیمت يك نسخه)
در طهران يكسند دینار
سایر بلاد ایران سه شاهی است

قیمت اعلان سطر
دو قران است

روزنامه یومیه ملی آزاد سیاسی اخباری تجاری علمی ادبی مقالات عام المنفعه

با امضا قبول و در انتشارش اداره آزاد است

بلخ شنبه ۱۸ ربیع الاول ۱۳۲۵ هجری قمری و ۱۲ اردی بهشت ماه جلالی ۸۲۹ و ۲۰۷۰۲ میلادی

(دنیا مال کیست؟)

(و لقد کننا فی الیوم من بعد الذکر ان الارض یرثها
عبادی الصالحون)

وضع عالم تغییر کرده است . اولیاء آدمیت و حافظین
حوزه انسانیت در محافظت فرزندان انسان سعی و جهد را
ولین وظیفه آدمیت قرار داده‌اند . دیگر يك مشت بیچارگان
را زیر دمت و پای احیافات ما و شما نخواهند گذارد
یا بمان و عیال شوند . يك قطعه خاک را که دارای هزاران
هزار نعمت‌های خدا داد است . در ازاء ظلم و تعدیات بکسی
تیول ابدی نخواهند داد . انواع نعمات را مخصوص بنده
وزید و عمرو نخواهند نمود . حرف اولیاء آدمیت
آنستکه وضع دنیا باید يك جور باشد در يك گوشه دنیا
يك هیئتی نمی‌توانند وضع مخصوص از برای خود اختراع
کنند که مخالف اوضاع همه دنیا باشد . میگویند ما
راضی نمیشویم احوال آدمی در اختلال باشد . دستک‌های
تازه با چرخ‌های نو ظهور طیار برای گردش دنیا بزحمتها
ایجاد کرده‌ایم . اجناس خوب از کار بیرون آورده‌ایم
دیگر نمیگذاریم شما بادب و عادات کهنه قدیم رفتار کنید
چرا؟ بجهت آنکه در مدت چندین هزار سال حقوق
آدمیت را همین کارهای شما دستخوش اضحلال نمود .
خراب کاریهای شما قرن‌ها انسان را گرفتار بدبختی و ادبار
ساخته بود . امروزه از مجامع اولیاء آدمیت احکام اکیده
صادر شده است که حتماً باید یکی از دو کار را اختیار
کنید یا تکالیف مقرر خود را مهمیده سرموئی تخطی نکنید
یا منتظر هلاک و فتنای ابدی بشوید . عضو فاسد دید یا اطاعت
کرده اصلاح شوید یا مترصد بریدن باشید . شق سیم

ندارد . زیرا وجود شما با اینحالات که کثیفی برجامه
يك آدمیت است که ما هیچ صابون يك نمیتوان کرد .
دیگر محال است شما را بحال خود بگذارند که بعنوان
وراثت يك خانه بزرگی را چنان کثیف و خراب کنید
که قرنهای زیاد مرمت و آبادی آن ممکن نشود . بجهت دلیل؟
بان دلیل که کمره زمین ما باید آباد باشد ساکنان
این ستاره سیاره باید دلشاد بشوند . دوران هر امر در دور
مرکز و برگرد محور خود باشد . چرخ‌های معاش بشر
روی جاده‌های خود برقرار گردد . تا هر ثانیه ششصد
مرتبه گردش کند . این قافله همه باید بمنزل برسند شمارا
بحال خود نهند تا در بیابان بمانید .

بخکم این دستور که حکمی است محکم تغییر ناپذیر
راه چاره ما منحصر بیکی از دو امر است یا با سایر اقوام
دنیا همقدم و همعنان شویم یا صبر کنیم دیگران آمده بزور
مارا مضیع نمایند .

من امروز میخواهم برای شما يك آیه قرآن را که
هم معجزه و اخبار از غیب را وهم حکمت مطابق با عقل را
آشکار میسازد توضیح کنم تا بدانید چطور ما از حکم خدا
و قانون امروزه دنیا غفلت داشته‌ایم قبول مردم بهیچ سراطی
مستقیم نبوده‌ایم

همان آیه که در اول مقاله نوشتیم . همانکه يك
دنیا مطالب را در يك کلمه گنجانیده و در یارا درسبوحاده
تابضی‌ها تصور نکند فرنگیها حرفی تازه میزنند! خیر این
مطالب خیلی قدیمی است . این مطالب را که در صد
توضیح و تشریح هستیم در زیاده از سه هزار سال قبل
خداوند در زبور نوشته و در هرارو سیدو کسری مجدد
در قرآن نازل فرموده است

معنی آیه شریفه آنستکه زمین مال خداست و کسی نمیتواند بادعای مالکیت و وارثیت ویرانی در یک قسمتی از آن را حق نابکاریهای خود تصور کند و ساکنان او را به بندگی خوشتن مجبور سازد و نعمای او را بهوا و هوس کیف مایشاء تصرفی مالکانه نماید . ولی خداوند ملك خود را عطا میکند به بند گانیکه در عمل را اصلاح پیش گیرند و از فساد و حرابی اجتناب و دوریرا لازم و واجب شمارند و هر قوم که آن ملك صلاح دور شوند و در یسایان گمراهی قدم زنند باید از خاک و وطن چشم پو شدند و دست ملکیت را از روی آن برداشته از حیات قومی مایوس و نا امید شوند

این فقره را نیز عرض میکنیم که آیات بردو قسم است بعضیها حکم و تکلیف است که چنین و چنان باید نمود و تکلیف خلق در امور معاد و معاش این است مثل نماز و روزه بیع و ربا و غیره . . .

پاره دیگر خبر از گذشته و آینده است که موجبات عبرت و اسباب تنبه است . این آیه دارای هر دو مطلب است بلی تکلیف اهل عالم و هوا خواهان آدمیت است که بحکم عقل و آیه مزبور مردمان خراب کار را که جز فساد و خرابی شعلی ندارند از ملك خدا بیرون کنند و نگذارند بیک قوه مخربه تزلزل بارگان آدمیت بینکنند . اگر در اداء این وظیفه کوتاهی نمایند در مجمع آدمیت و نزد خالق آدم مقصر خواهند بود . ولی شك این حادثه نیز بقانون طبیعت واقع شدنی است (لا یمیل لكلمات الله) صحت این مطلب وقتی یقینی و محسوس میشود که بصفحه تاریخ گذشته و امروزه نظر دقت کنید و سبب واقعی انقراض يك ملت و تسلط اجانب را بر يك قطعه عالم آینه عبرت سازید

چگونه شد ممالک اسلامی هندو سند و تونس و الجزائر و بلاد و اسامه و راء الزهر گرفتار چنگال اقتدار دول اروپا افتاد ؟ بجهت آنکه از ملك صلاح دوری جستند و راه خرابی و فساد پیشهاد خاطر کردند عقل و قل را در پس پشت افکندند . چرا انگلیسان بر قسمت بزرگی از سرزمین مسلط و نافذ الامر گردیدند بجهت آنکه از منهنج عقل و صواب دوری نجستند برضفء ملت تاخت نیاوردند . اموال و اعراض عامه را بهوای نفس دون غصب و هتك نمودند

علت چه بود که مثنی اعراب بدون هیچ قسم اسباب و تدارکات عالم را بوحشت افکندند و دوملکت بزرگ روم و ایران را مسخر نمودند . باعث چه شد که ایران چندین هزار سال بیک حمله مسلمانان عاجز و ناتوان گردید و تاب مقاومت نیاورد

یقیده تمام دانایان سببی نداشت مگر آنکه از طریق

مستقیم صلاح و اصلاح اعراض نمودند . فساد اخلاق موجب فساد اعمال گردید فساد اعمال خرابی و اضمحلال را دعوت کرد .

باز برگردیم بسؤال اول خودمان دنیا مال کیست ؟ جواب اینکه دنیا مال مردمان صالح است نه فاسد و طالح پس ما برای نگاهداری مملکت و وطن خود مجبور به اصلاح کاری هستیم . اما تحقیق معنی صلاح و فساد در نمره بعد عرض خواهد شد

جساری و اقتدار

يك اقتباه بزرگرا میخواهم در اینجا از ذهن رؤساء و بزرگان مملکت بیرون کنم و در عوض يك مطلب درستی که همه دانایان دنیا قبول کرده اند بانان یاد بدهم . بشرطیکه رنجش و کدورت حاصل نفرمائید و نکوئید . ما همه چیز را میدانیم محتاج بتاقین يك نفر روزنامه نویس نیستیم . در سابق اگر چنین خیالی پیش خود میکردید حق داشتید . مردمان متعلق چاپلوس شمارا بسیار است و بیاناتی ستایش و تمجید میکردند که واقعا بر خودتان هم مطلب مشتبیه میشد . خود را از جنسی دیگر و رای جنس ما مردم حساب میکردید و از عالم بالا خود را میدانستید . و چشم حقارت در دیگران می نگرستید . اما امروز وضع جور دیگر شده است و البته مسبوق نمیدانید که زیادی میل فرنگی و مقبولی در شکه و کالسه و وسعت پارک و کثرت خدم و وحشم و داشتن چندین دهانت شش دانگی و کل کاری مانعجه های خانه و غیره . . . رهلی بدانائی و علم ندارد و دلیل حسن تدبیر و زیادی اطلاع نیست . ممکن است شخص ده کرور پول در بانک داشته باشد اما در مرتبه دانش از یک نفر بازاری خیلی کسر داشته باشد . محال نیست با صد ده شش دانگی از اوضاع عالم خبری پیدا نکرده باشد .

بهر حال اگر هم اوقاتان تاخ می شود عیبی ندارد يك دقیقه باوقات تلخی حوصاه کرده این چند سطر را ملاحظه فرمائید . آخر ما هم مخاوق خدا هستیم که تمام عمر را باوقات تلخی و مرارت صرف کرده ایم و از کودکی بسختی و صد گونه مصیبت باین پایه رسیده ایم ؛ ؛ . مطلب من بطور اختصار اینست . از فراریکه میشنوم شما وضع قانون و اصول مشروطیت را بجهت اقتدار و تسلط خود جایز نمیدانید و کمان میکینید ایجاد قانون همان و محو همه اقتدارات شما همان .

اما این يك سهو بزرگی است که تمام عقلا و خردمندان بر بطلان آن اتفاق دارند خیر در ظل قانون و مشروطیت

اقتدار و قدرت شما يك بر هزار میشود اسم و آوازتان قاف تا قاف زمین را احاطه میکند عظمت شما در افکار پیش از اندازه میگردد . ولی اول باید معنی قدرت و استیلاء را فهمید و فرق میانه اقتدار را با جباریت دانست . اقتدار و تسلط آن نیست که نیمه وزیرستان را باراده و کیف خود جریمه کنند و بدون تقصیر عزل و بلا استحقاق نصب نمایند و بدون قابلیت منصب دهد و بی خیانت عقوبت کند . مهورانه و بی باکانه بندگان خدا را بگیرد بزند ببندد بکشد حبس کند سر ببرد بردار زند کوش وینی کند داغ نماید پوست بکند زنده بسوزاند عصمت مردم را برباید عهد زن و بچه خلق را بی سیرت کند مال مخاوق را عفاً بگیرد خانه رعیت را آتش بزند زراعت را پایمال سازد شب در خانه بیچارگان ریخته هر چه دیدند بغارت وینما ببرند . از طرف دیگر بهر بی سروپا واجب و مرسوم لقب و درجه بدهند بچه شیر خوار را بحکومت يك ایالت نزرک بگمارند .

ه! حیر! اینها قدرت نیست ربطی بتسلط و اقتدار ندارد احکام یکوقتی چنین حرکات را اقتدار اسم میگذازند ربط بعرفی امروزی ندارد . عقلاء این زمان این حالت را جباری و ستمکاری و بی اعتدالی و اسراف میگویند . فاعل این اعمال را از حوزه آدمیت خارج می شمارند و از دائرة آدمیان بیرون میکنند .

پس اقتدار چیست ؟ اقتدار آنست که دول و ملل همجوار را متزلزل نمایند در تمام سرحدات استحکامات متینه در مقابل چشم دشمنان بنیاد کنند حقوق دولت و ملت خود را همه جا حفظ کنند ملت مرده را احیاء نمایند برای استرداد یکتفر اسیر کورورها پول خرج نموده هزاران لشکر بجانب دشمن فرستاده يك پادشاه بزرگی را مضمحل و مملکتش را متصرف شوند نه آنکه دخترهای رعایا را بترکمان بفروشند .

و الا یکتفر مظلوم بیکس را بستن و کشتن و مالش را متصرف شدن جز بیرحمی لازم ندارد قشون منظم گشتی زره پوش در کار نیست . يك امیر و وزیر را از کار انداختن و رسوای خاص و عام کردن قدرت نیست حالا فکر کنید قدرت و تسلط در ظل قانون است یا در بی قانونی و استبداد .

مکتوب شهری

خدمت مدیر محترم جریده فریده عرض واستدعا میشود این لایحه حقیر گم نام را در روزنامه مبارکه خود ثبت و درج فرمائید

ما زیاران چشم یاری داشتیم در اوایل بلوای مردم و استدعای اعطای مجلس شورای ملی از دولت قوی شوکت عموم مردم بهمدیگر امیدواری ها میدادند که احکام اجازة انقصاد مجلس شوری از دولت مرحمت و عطا شود باندک زمانی چنین و چنان خواهد شد و خطه ایران از نثر داد و عدل رشک روضه رضوان و اهالی این مملکت در عهد امن و امان خواهند خفت افسوس که تا کنون صورت حارجی پیدا نکرده قریب هشت ماه است که مجلس منعقد و وکلاء سایر بلاد از مقر و موطن خود متدرجا بدارالخلافت و در مجلس شورای محترم حاضر شده اند و چشم و گوش اهل طهران و سایر بلدان باجرای مقالات مصاحبت آمیز اهل مجلس باز و در انتظار است این روزنامه مجلس که حاوی خلاصه مکالمات وکلاء محترم است و طبع و نشر میشود یکی از خریدارانش این گم نام است و اشهد بالله اشتیاقم بر مطالعه روزنامه محترم نه برای حسن انشاء و عبارت است و مسلماً پول خود را بیهای اعلانات و مکتوبات شهری که نصفش مقدمه غیر لازم و نصفش مطالب مکرره است نمیدهم بلکه خریدار نتیجه گفتار وکلاء محترم هستم که امری را بموقع اجرا گذارده باشند تا جواب گوی اشخاص باشم که میگویند نتیجه از این مجلس جز کسادى بازار و زیاد شدن مردم بیکار و از دست رفتن کسبه و تاجر دیده نشده اعیان و رجال و وزرا و حکام زمام و عنان امورات راست بلکه یله ورها کرده اند دلها از اقدام در امور سرد و دستها در بفل و آستین مانده از کار افتاده اند بهر مرکز و اداره که نظاره کنیم بازار و فتقشان بی رونق و روان حل و عقدشان بی توان و رفق مانده در جواب این عبارات شتی صحیحه بی انتها بتوانیم بگوئیم در عوض رفع فلان بدعت ایجاد فلان نعمت کرده اند در این هشت ماه که مجلس منعقد و روزنامه اش همه روزه طبع و توزیع میشود و قتیکه تمام نسخه های این روزنامه را در جلدی جمع و تدوین کنیم و مدتی بفراست و مطالعه آنها عمر را صرف سازیم ابدأ انجسام عملی و انجاء مقصود ملی در آن دیده نمی شود بلکه خود وکلای محترم از عدم پیشرفت کارها شکایت دارند که فلان وزیر حاضر نشده و فلان مطلب بفلان نوشته شده يك ماه است جواب نداده یا فلان که متعدی است چرا بحکومت مامور شده عاقبت هم همان حاکم بمقر حکومت رفته مجلس نتوانسته جلوگیری کند و اگر فرضاً یکی از حکام حسن سلوک و عدل گستری را پیش نهاد

کرده است و ظلم امور داده خود بافتضای نیک فطرتی مایل نیکنامی و عدل گستری بوده ای داد ای فریاد که هر چه از دور و نزدیک بوکلائی مجلس شکایت از عدم اجرای رای مصلحت آرایشان مینویسند و از تاخیر انتشار قانون آه و ناله مینمایند هر یک از وکلای محترم میندارد روی سخن نویسندگان بسوی دیگری است و هیچکدام خود را حدی تیر ملامت نمیدانند چه قدر بمخالفین و معاندین مجلس بگوئیم انشاء الله درست می شود و حال آنکه گواهی صادق آنها بر عدم پیشرفت مقاصد ملت در آستین آنها است و وعدهائی را که چون در باغ سبزه است و عمده به نسیه است زیرا که در این مدت ابد از مجلس مفاد و نتیجه قابل دیده نشده فقره تیولات که عموم مردم در منبر و مجلس نفع گزاف و تفاوت عمل را بی دروغ و خلاف بalf و آلف دیدند و تصویب در برگشت تیولات نمودند و رای غالب بلکه اغلب از وکلای محترم اخذ شد پس چرا اجرای آن عمل نیامد و امسال را موقوف داشتند تا سال دیگر هزار گونه حوادث در پیش است اگر بر مرکب قدرت و استیلا سوارید چرا نمیرانید و اگر بر این مرکب مسلط و مستولی نیستید یکدفعه پیاده شوید خود را خسته با برجای و مردم را بانتظار طی راه نگذارید و حال آنکه بعقیده خیلی دست غیبی معین و اجماع عموم مردم مددکار شما است میترسم این قدر مردم را بانتظار اجرای امور بگذارید که عقیده آنها در استقلال شما و اجرای مقاصد سست شود و همه بگویند (ای مجلسیان راه خرابیات کدام است) و فی التاخیر آفات قانون شما چه شد اصلاح یک نظامنامه تا کی انتظار و انتشار آن تا چند صحبت های معترضه چرا الایم فالایم مقدم است مکتوبات طعنه آمیز بلاد دور مثل مکتوب از بخارا که الحق مقدمه اش محرک عرق غیرت و نتیجه اش که فقره محترم و محترم را نیکو مینویسد چون نیش خنجر است آیا شما را به بهجان و دریای عصیت و حمنیت شما را متلاطم نمیسازد؟ یا میخوانید و بیای خود حساب نمیکنید و میگوئید بمن که نگفته هر چه بنویسم نمیتوانم جوش درونی را تصویر و مجسم سازم در خانه اگر کس است یک حرف بس است

حبل المتین

نویسنده محترم از سوز درون شکایاتی چند فرموده و ما نظر بوظیفه خود از درج آن مضایقه بکردیم ولی از بیان عقیده خود نیز در این خصوص ناچاریم

اغلب از مردم بانویسنده محترم مکتوب در اظهار

دلنگی و شکایات از عدم پیشرفت کار شریکند و متصل میشنویم از تعطیل امور شکایت دارند ما نیز حرفی نداریم که قری تمویق و تاخیر در اجراء امور واقع شده و میشود لکن باید دید این تمویق را علت چه و از کجا ناشی شده - قصیر بر ذمه و کلاء محترم وارد میتوان آورد یا نه؟ باید دانست که هر مسئله تا شکل قانون پیدا نکند در موقع اجرا نمیتوان آورد و ابراد در عدم اجراء آن جایز نیست. قانون شدن هر مسئله موکول بانسکه و کلاء در مجلس مذاکره نموده در پایان کار رای گرفته شود آنگاه بصورت لایحه نوشته بحضور همیونی ایفاد کرده مدان توشیح صحه مبارک پادشاه راجع بهر وزارتخانه هست بهمانجا فرستاده از وزیر اجراء آنرا جداً مطالبه نمایند اگر وزیر در مرتبه اجراء و اعمال ماسمحہ یارد نمود حق مؤاخذہ و مطالبه عزل همان وزیر مسئول با مجلس و وکلاء است. روز پنجشنبه گذشته جمعی از وکلاء محترم مسئله تیول را با جناب وزیر مالیه مذاکره نموده ند و از وی مؤاخذہ کردند وزیر مالیه جواب داد تا مسئله قانون نشود از من توقع اجراء آن جایز نیست پس شکایات را نباید تماماً راجع بوکلاء محترم نمود تمویق امور در دستگاه دیوان است. واضحتر عرض کنم عیب عمده کار ما اینسکه اتفاق نام که در امور لازم است بین وکلاء ملت و اماناء دولت هنوز برقرار نشده است و قوه استبدادیه تا کنون یکبارہ مارا رها نکرده است. اختلاف اهواء و تباین مشرب و مسلک نیز از اسباب عمده اخلال است. یک مسئله خیلی غامضتر نیز در کار افتاده که اگر خدای نخواستہ طولی بکشد ماده غلیظتر گردد روزگارمان سیامات و احوالمان تباہ . با کمال تأسف عرض میکنم آن امر وقوع اختلافات و مناقشات شخصیہ بین بعضی از وکلاء است حالا علت چیست و سبب کدام است شرح مفصلی لازم دارد بمانند تا وقتی دیگر . در ممالک متمدنه نیز اختلاف در مجلس بموثرن واقع میشود ولی در خیالات شخصیہ نقطه در امور عامه . بدین واسطه چندان غفلتی پیدا نمیکند بمحض بیرون رفتن از مجلس غالباً کدورت رفع میشود . احکام بخواهم آنچه شنید . ام در اینجا بنویسم . طلب بدر از میکشد همین قدر عرض میکنم اظهار رأی امروز آزاد است اگر مطلب بخوبی ختم نشود ناچار اطلاعات و عقیده خود را در اینخصوص واضح خواهیم کرد

(حسن الحینی الکاشانی)